



## یوسف اعتصامی، پیشرو در ترجمه

جعفر شجاع کیهانی

یوسف اعتصامی (آشتیانی) ملقب و مشهور به اعتصام دفتر و اعتصام‌الملک (۱۲۵۳ یا ۱۲۵۸ تبریز- ۱۲ دی ۱۳۱۶ تهران)، ادیب، مترجم، نویسنده، و کتاب‌شناس مشهور، فرزند میرزا ابراهیم‌خان اعتصام‌الملک آشتیانی، مستوفی و پیشکار مالیه آذربایجان است. وی مقدمات تحصیل را نزد پدر گذراند؛ در ادبیات فارسی، عربی، فقه، اصول، منطق، و حکمت قدیم، از محضر استادان تبریز فیض برد. او همچنین با زبان‌های فرانسه و عربی و ترکی استانبولی آشنائی کامل یافت و، در تحریر خطوط نستعلیق و نسخ و شکسته و سیاق، کسب مهارت کرد. شوق اعتصامی از جوانی در امور فرهنگی و نشر کتاب سبب شد تا، با صرفه‌جویی در مقرری خود از پدر، چاپخانه‌ای سربی در تبریز دایر کند و، پس از چاپخانه عباس میرزا که دوامی نیافت، به کار نشر سامانی دهد.

اعتصام‌الملک، در دوره دوم مجلس شورای ملی (۲۴ فروردین ۱۲۸۸- سوم دی ۱۲۹۰)، به نمایندگی از تبریز انتخاب شد. وی، طی سال‌های ۱۲۸۷-۱۲۸۹ ش، ریاست کتابخانه سلطنتی را به عهده داشت؛ در سال‌های ۱۲۹۹-۱۳۰۰ ش، به سمت رئیس تألیفات، در وزارت معارف خدمت کرد؛ با تأسیس کتابخانه مجلس شورای ملی (۱۳۰۵ ش)، به ریاست آن برگزیده شد و، تا پایان عمر، در همین مقام، اشتغال داشت. اعتصامی مدتی نیز در مدرسه دارالفنون تدریس کرد (۱۳۰۵) و، در سال‌های پایان حیات، عضو کمیسیون معارف مجلس شورای ملی بود.

دوران بالندگی یوسف اعتصامی مصادف گشت با حوادث و تحولاتی که منجر به انقلاب مشروطه شد.

تربیت فرهنگی و محیط عالمانه تبریز زمینه مساعدی فراهم آورد که او توانست هم از عهد شباب دست به تألیف زند. در بیست سالگی، قلائد الأدب فی شرح لطواق الذَّهَب (أطواقُ الذَّهَبِ فی المَواعِظِ وَ الخُطَبِ، کتابی اخلاقی و ادبی به زبان عربی از زمخشری ۴۶۷-۵۳۸ ق) را به عربی تألیف کرد که در مصر کتاب درسی شد. اعتصامی، در پرتو تسلط بر زبان فرانسه، از طریق کتاب‌ها و نشریاتی که به تبریز می‌رسید، با کانون‌های فرهنگی آشنا و مأنوس شد. وی با سیدحسن تقی‌زاده و محمدعلی تربیت در انتشار مجله گنجینه فنون همکاری داشت که بیش از صد و ده سال پیش (۱۳۲۵-۱۳۲۱ ق / ۱۲۸۱-۱۲۸۲ ش) در تبریز منتشر می‌شد و، به لحاظ محتوا و ساختار و رعایت ضوابط، در تاریخ مطبوعات شاخص است. ترجمه یکی از رُمان‌های علمی ژول ورن به قلم او با عنوان سفینه غوّاص در همین مجله چاپ و منتشر شد.

انتشار مجله بهار به همت اعتصامی (امتیاز مجله به نام اعتصامی و مدیریت آن در آغاز بر عهده مدیرالملک و سپس عباس خلیلی بود) در آشنا کردن ایرانیان با ادبیات اروپایی سهم مؤثری داشت. نشر ترجمه‌های آثار ادبی و فرهنگی فرانسه به قلم او در این مجله را گام تازه‌ای در تاریخ مطبوعات ایران می‌توان شمرد. به گفته ملک‌الشعرا بهار، این مجله، در این راه، فضل تقدّم دارد و پیشتاز بوده است (← بهار، ص ۵۶۵). مجله بهار در دو دوره جدا از هم (۱۳۲۸-۱۳۲۹ ق و ۱۳۳۹-۱۳۴۱ ق) ماهیانه در تهران منتشر می‌شد که بیشتر مندرجات آن به قلم اعتصامی است. اعتصامی، در عین انتخاب و ترجمه و نشر آثار ادبی فرانسه، به سنت‌های ادبی زبان فارسی توجه داشت و، به قول زرین‌کوب، این سنت‌ها را محترم می‌شمرد (← زرین‌کوب، ج ۲، ص ۶۴۱). وی، با انتخاب کارشناسانه و منتقدانه قطعاتی از نخبه آثار نویسندگان فرانسه همچون ویکتور هوگو و آلکساندر دوما و ژان ژاک روسو و ژول ورن همچنین دیگر نویسندگان مغرب زمین و ترجمه ماهرانه آنها، محافل ادبی کشور را با شیوه‌های جدید نویسندگی اروپایی آشنا کرد. (← همان، ص ۶۴۵)

زبان اعتصامی در ترجمه، متأثر از نویسندگان عثمانی و عرب معاصر او، ساده و سلیس و موجز و گاه استادانه و متمایل به سبک منشیان قاجار ارزش‌سنجی شده و در نویسندگان پس از او مؤثر افتاده و او را، از این حیث، در زمره پیشگامان تجدّد نثر فارسی جای داده است (← آرین‌پور، ج ۲، ص ۱۱۳). به واقع، اعتصامی، در ترجمه، ادامه‌دهنده راهی بود که از نیمه دوم قرن سیزدهم هجری قمری، چند سالی پیش از انقلاب مشروطه، به همت بزرگانی همچون میرزا محمدحسین ذکاءالملک فروغی گشوده شده بود. بهره‌جویی از فنون بدیعی و بلاغی همچنین قید بازتاب خلاقانه زبان مبدأ در عین پرهیز از برگرداندن تعبیرات و اصطلاحات و ساختارهای نحوی آن زبان حاصل کار او را، به مذاق فارسی‌زبانان آن روزی

و چه بسا امروزی، خوشگوار و شیرین ساخته است. تنها برخی کلمات عربی مهجور، که گه‌گاه در زبان ترجمه راه یافته، ممکن است به ذایقه خواننده امروزی ثقیل و ناخوشایند آید.

از اعتصامی، آثاری به شرح زیر منتشر شده است:

مقدمه بر چند بیت در مصیبت آل‌عبا، سروده میرزا علی ادیب خلوت (تبریز ۱۳۱۱ قمری).

تربیت نسوان، (ترجمه تحریک‌المراة از قاسم امین مصری) (تبریز ۱۳۱۸ قمری).

ترجمه ثوره الهندیا المرأة الصابرة به زبان عربی، مصر ۱۳۱۸ ق (با تقریظ چند تن از ادیبان مصری) اصل این کتاب به زبان انگلیسی است که اعتمادالسلطنه در سال ۱۳۰۴ ق آن را به زبان فارسی ترجمه کرد.

قلائد الادب فی شرح اطواق الذهب به زبان عربی (تبریز ۱۳۱۹ ق؛ مصر ۱۳۲۱).

سینه غواصه ترجمه‌ای به زبان فارسی از اثر ژول ورن، نویسنده مشهور فرانسوی به نام

*Vingt mille lieues Sous les mers* (1870) (تبریز ۱۳۲۰ ق).

خدعه و عشق، ترجمه‌ای به زبان فارسی از اثر فردریک شیلر شاعر آلمانی از روی ترجمه به زبان فرانسه آن به قلم الکساندر دوما.

تیره‌بختان، تحریر ملخصی از *Les Misérables*، اثر معروف ویکتور هوگو با استفاده از ترجمه ترکی آن موسوم به البؤساء و سفیلر. متعاقباً ترجمه کامل این اثر به قلم حسینعلی مستعان، با عنوان بینوایان چاپ و منتشر شده است.

فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، تهران (جلد اول ۱۳۰۵ ش؛ جلد دوم ۱۳۱۱ ش).

سیاحتنامه فیثاغورس در ایران (تهران ۱۳۱۴). این اثر ترجمه بخشی است از سیاحت‌های فیثاغورس

به مصر، کلد، ایران، هند، کرت، اسپارت، صقلیه، ژم، کارتاژ و ماریسی.

## منابع

آرین‌پور، یحیی، از صبا تا نیما، انتشارات زوار، تهران ۱۳۷۲.

بهار، محمدتقی، «یک سال تمام»، دانشکده، ش ۱۱-۱۲ (۱۲۹۸ ش).

زرین‌کوب، عبدالحسین، نقد ادبی، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۶۹.

میرانصاری، علی، اسنادی از مشاهیر ادب معاصر ایران، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، تهران ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۸۵-۲۰۹.

—، «اعتصامی، یوسف»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی (جلد نهم)، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی،

تهران ۱۳۷۹، ص ۳۴۹-۳۵۰.

### نفت و پادشاه نفت\*

قرن نوزدهم، که اولین قرن بزرگ ترقی بایدهش دانست، بسیاری از قوای طبیعی را که قرن‌ها مجهول بودند کشف کرد و به موقع استفاده گذاشت. معلوم است این موفقیت‌های علمی و فنی در عالم صنعت و هنرمندی نوع بشر چه کارها کردند و چه خدمات مهم انجام دادند.

نفت، این روغن معدنی که امروز هم برای روشنائی و هم برای تولید حرارت و قوت در تمام دنیا استعمال می‌شود، یکی از همان قوا و از همان ودایع مکنونه است که از اعماق معادن بیرون آمده و از جمله ضروریات زندگانی انسان محسوب شده است. اولین معدن نفت در ۱۸۵۸ به واسطه کلنل دریک<sup>۱</sup> در آمریکا به کار افتاد.

سابقاً هُنود [سرخ‌پوستان] آمریکا و پارسیان ایران، در اراضی نفت‌خیز، گودال‌هایی به عرض و عمق چند ذرع کنده پارچه‌ها و لحاف‌های پشمین در آنها نهاده از فشردن این قماش‌ها مقدار جزئی نفت تحصیل می‌نمودند. این استفاده در صورتی میسر می‌شود که نفت به سطح زمین نزدیک باشد. در پنسیلوانیا از ۴۰۰ تا ۵۰۰ ذرع، در باکو از ۲۰۰ تا ۲۵۰ ذرع عمق می‌توانند نفت استخراج نمایند.

عُلما در اصل این مایع، که مقدار زیادی ذغال به آن مخلوط است، اختلاف دارند. بعضی می‌گویند اجساد حیوانات قدیمه، پس از پوسیدن، نفت را به وجود آورده‌اند. بعضی می‌نویسند ذغال سنگ، از اثر حرارت مرکزی زمین، تقطیر گشته و، از ابخره متراکمه آن، نفت پیدا شده است.

برتلو<sup>۲</sup>، شیمیست مشهور فرانسوی، می‌گوید: بخار آب در ترکیبات معدنی تصرفاتی می‌کند و، به این سبب، ماده هیدروکاربور را، که شبیه نفت است، تولید می‌نماید. دیگران می‌گویند: این عقیده را بر نفت روسی تطبیق نمی‌توان کرد، به جهت اینکه معادن نفت روسیه مرکبات کاربونی ندارند.

مسیو سباتیه<sup>۳</sup> و مسیوسندرن تصور کرده‌اند وقتی که گاز هیدروکاربون با معدن‌های نیکل و کوبالت و آهن تلاقی می‌کند، مایعی مانند نفت حاصل می‌شود.

\* مجله بهار، سال دوم، شماره ۸ و ۹ (رمضان و شوال ۱۳۴۰)، ص ۵۴۹.

1) Col. Drake

2) Berthelot (1827-1907)

3) Paul Sabatier (1854-1941)

منابع عظیمه نفت در امریکا، ایتالیا، گالیسی (در اروپای مرکزی)، هندوستان، بیرمانی، کانادا، ژاوه [جاوه]، سواحل بحر خزر، جنوب و شمال ایران یافت می‌شود. نفت در یک نوع کیسه‌ها یا حفره‌های زیرزمینی جا دارد که زیر آنها را آب شور و روی آنها را گازهای مختلف گرفته‌اند. این حفره‌ها گاهی بر معادن ذغال‌سنگ متکی هستند و، به طور غیرمنظم، در عمق‌هایی که به تناسب مقدار نفت زیاد می‌شوند پراکنده‌اند.

جست‌وجوی «کیسه‌های نفت در اراضی نفت‌خیز نوعی از بخت‌آزمایی است. گاه چنین پیش می‌آید که حفاریات ابداً ثمر نمی‌دهند و کارکنان را به خسارات گزاف دچار می‌نمایند.

برای کندن چاه، دیلم سنگین بلند نوک‌تیزی را به طنابی بسته با آلت جرّ اِثقال از ارتفاعی معین رها می‌کنند. چاه به واسطه سقوط متوالی دیلم کنده می‌شود و، هر قدر کار جلو می‌رود، لوله آهن به قطر یک یا دو گره به سوراخ چاه می‌گذارند. همینکه دیلم به کیسه نفت می‌رسد، گازها، که بعضی وقت زیر ۷۱ من فشار محبوس‌اند، با غرّش طویل مهیب بیرون جسته غالباً دیلم را تا ارتفاع زیاد به هوا می‌پرانند.

استخراج نفت در پِئسیلوانیا با تلمبه و در بعضی جاهای باکو با ژالُنکا<sup>۴</sup> صورت می‌گیرد. اگر فشار گازهای محبوس شدید باشد، نفت را تا سطح زمین و گاهی هم بالاتر از آن بیرون می‌زند. در این وقت، ستون مایع که از چشمه جستن می‌کند گردابی بزرگ از خود می‌سازد. هنگامی که در بادکوبه چاه «دروجا» حفر شد، ستونی از نفت به بلندی نود ذرع فوران کرد که، بعد از چهار ماه، توانستند آن را ضبط کنند! در این مدت، سیل‌های نفت و شن از هر سو جاری گشته معدن‌ها و بناهای مجاور را خراب کرده به دریای خزر ریختند! چاه یا چشمه نفتِ نوبل<sup>۵</sup>، یک روزه ۳۹۰۰۰۰ خروار نفت داد و در ظرف سی و یک روز خشک شد. در ۱۸۸۷، یکی از چاه‌های همانجا به فوران آمد و مدت سی و پنج روز به ارتفاع ۲۱۲ ذرع نفت‌پرانی کرد! یکی از چشمه‌های تِرک<sup>۶</sup> ساعتی ۲۸۰۰ و روزی

۴) Jalonka، سطل بلند آهنی به گنجایش هشت من و نیم.

5) Nobel

6) Térek

۶۸۰۰۰ خروار نفت می‌داد! بلندی فواره آن ۹۰ و عمقش ۱۹۰ ذرع بود. حالیه، همینکه صداهاى زیرزمین وصول گاز یا مایع را اخطار می‌کند، سرلوله با سرپوش فولاد پرقوت بسته شده و نفت محبوس، به وسیله شیرى که به آن متصل است، استخراج می‌شود. این نوع چشمه‌ها را «سربسته» می‌نامند. فوران نفت همیشه موقتی است. گاهی بسیار زود تمام می‌شود. بعضی چاه‌ها به نوبت فوران می‌کنند.

پس از آنکه نفت به دست آمد، به انبارهای نزدیک جاری شده دریاچه‌های واقعی تشکیل می‌دهد. ریگ و سایر مواد خارجی در انبارهای مذکور ته‌نشین می‌شوند. بعد، به وساطت نهرها یا لوله‌های فلزی به قطر یک و یک دوم تا دو و یک دوم گره، به محل تقطیر و تصفیه می‌رود. در باکو، نفت شبه‌جزیره آپشرون را به همین طریق به کارخانه می‌برند. لوله‌های نفت پنسیلوانیا، در امتداد ۱۳۰۰ فرسخ طول، محتویات خود را به ۱۶۰۰۰ مخزن می‌ریزند که گنجایش شانزده کرور ذرع مکعب نفت را دارند! گاه، در اثر غفلت یا بی احتیاطی، چاه آتش می‌گیرد و منظره موحش و تماشائی دیده می‌شود. شعله‌هایی به بزرگی کوه تا ارتفاعات زیاد در هوا نمایان شده ابرهای عظیم دود آسمان را تاریک می‌کنند؛ شلیک دائمی اشتعالات پیوسته با این احتراق همراه است. چاهی که آتش بگیرد از دست رفته و خاموش کردن آن ممکن نیست. گاه حریق در انبار روی داده مخزن‌ها را می‌ترکاند. آن وقت روده‌های آتش، از هر سمت، به راه افتاده، در معبر خود، هست و نیست را می‌سوزانند!

آنچه از نفت گفتیم کافی است.

در این موقع، لازم می‌دانیم پادشاه نفت را به خوانندگان معرفی کنیم. ژان روکفلر<sup>۷</sup>، پادشاه نفت و متمول‌ترین مرد دنیا، سال ۱۸۳۹ در شهر ریچلند<sup>۸</sup>، از توابع نیویورک، متولد گردید. این شخص - که، در جوانی، از یک ریال دخل روزانه، خود را خوشبخت می‌شمرد، در کمتر از پنجاه سال، روچیلد<sup>۹</sup>ها را، که به «پادشاهان طلا»

7) John Davison Rockefeller (1839-1937)

۸) راکفلر در Richford (ایالت نیویورک) متولد شده است.

۹) Rothschild (1743-1812)، بانکدار مشهور آلمان.

معروف بودند، به کلی گمنام کرد و اسم آنها را از دفتر اشتهار حذف نمود. این فلاح‌زاده فقیر، که تا شانزده سالگی با داس و گاو آهن مشغول بود، کار ثروتش به جایی رسید که به لقب «قارون جدید» ملقب گشت.

در تخمین ثروتِ روکفیلر حرف‌ها زده و حساب‌ها ساخته‌اند. از جمله می‌گویند: اگر پول‌های روکفیلر را به پنج قرانی نقره ما بدل کنند، وزن آنها مطابق دو کشتی زره‌پوش خواهد بود! یکی دیگر حساب کرده است: اگر نقدینه او به صورت اسکناس یک تومانی درآید، دو بار به دور کره می‌چرخد! دیگری می‌گوید: مجموع عایدات ۱۲۵۰۰۰ نفر که هر یک سالی پانصد تومان دخل داشته باشند با منافع سالیانه روکفیلر برابری می‌کند! یک محاسب اروپائی می‌نویسد: پیش از جنگ عمومی (جنگ بین‌المللی ۱۹۱۴-۱۹۱۸)، روکفیلر می‌توانست بودجه یک ساله دولت‌های بلغارستان، دانمارک، یونان، لوکزامبورگ، موناکو، مونته‌نگرو، هلاند، پورتغال، رومانی، سربستان، سوئد و نوروژ را پردازد و ۶۴۵ کرور برای خود نگاه دارد!

روکفیلر، در هفده سالگی، از زراعت دست برداشته، برای تجسس کسب و کار، به شهر کلونید<sup>۱۰</sup> عزیمت نمود و، در یکی از تجارتخانه‌های آنجا، به کار مشغول شد. روکفیلر در یادداشت‌های خود می‌گوید:

سال‌های اول استخدام خود را در کلونید هرگز فراموش نمی‌کنم. این شغل چشم‌خبرت و بصیرت مرا باز کرد؛ اداره اعمال تجارتنی را در اینجا یاد گرفتم و دانستم که دنیای سعی و عمل بسیار وسیع است. امیدها و آرزوهای دور و دراز داشتم؛ فهمیدم که جز با کوشش و اراده ثابت به آنها نایل نخواهم شد.

روکفیلر، چنان‌که خود اظهار می‌نماید، در تحمل رنج و مشقت قصور نکرد و هیچ مانعی او را از وصول به مقصدی که در نظر گرفته بود باز نداشت.

در جای دیگر می‌گوید:

کسانی که در شهرها متولد می‌شوند، مثل ما اطفال ولایات، مجبور نیستند به زحمت زندگانی تسلیم شده مرد کار بشوند. همین سستی و تن‌پروری آنها را ضعیف و مهمل می‌کند و بالعکس ما را قوت بخشیده به میدان مجاهده می‌اندازد.

(۱۰) Cleveland (در ایالت اهایو Ohio ی ایالات متحده آمریکا).

اولین کار تجارتي روکفیلر جوان این بود که مقداری چوب و تخته خریده آن را از رودخانه اوهایو گذرانده به کارخانه نجاری فروخت و ده لیره فایده برد. همینکه لذت منفعت را چشید، به صدد کار دیگر برآمد و جز تجارت نفت چیزی را اختیار ننمود. در این تاریخ، معامله نفت امیدبخش نبود. اشخاصی که نفت استخراج می‌کردند غالباً دچار ضررهای فاحش شده از عمل و اقدام خود مأیوس می‌شدند. قسمت بسیاری از نفت‌ها به واسطه تیرگی رنگ و کثافت و اشتعال ناگهانی به مصرف نمی‌رسید. روکفیلر فکر کرد اگر بتواند نفت را صاف کند، مخاطره استعمال آن رفع شده به این وسیله فواید عمده به دست خواهد آمد. اما با دست خالی کاری از پیش نمی‌رفت. در این تاریخ، ماهی پنج لیره اجرت می‌گرفت. ناچار به صرفه‌جویی و قناعت تشبث کرده نصف این مبلغ را ذخیره می‌نمود! در بیست و یک سالگی، سرمایه کوچکی فراهم ساخته با جوانی موسوم به هیوت به تجارت پرداخت و، در ظرف پنج سال، منافع او به دوهزار لیره بالغ گشت. روکفیلر، مثل سایر جوانان طماع، خود را به ورطه معاملات صرافی نینداخت و، به استعانت بحث و امتحان و تحقیق، طریق تصفیه نفت را پیدا کرده، با شرکت مردی ساموئل آندرسن نام، کارخانه تصفیه را دایر نمود. نفت مصفی و پاکیزه روکفیلر چنان رواج یافت که مجبور شدند علی‌الدوام به کار مشغول باشند. از منافع حاصله، تصفیه‌خانه دیگری ساخته شد. سرمایه‌داران، همینکه پیشرفت کار او را مشاهده کردند، برای مساعدت مالی نزد او رفتند. معاونت چند نفر را، که خوش‌رفتار و سلیم‌النفس بودند، پذیرفته در عملیات خود مداومت نمود.

روکفیلر، در ۱۸۷۰، توانست یک شرکت اسهامی تأسیس نماید. کمپانی استاندارد اوئل<sup>۱۱</sup>، با سرمایه دویست هزار لیره، در این وقت به وجود آمد. خود روکفیلر رئیس؛ برادرش، ویلیام روکفیلر<sup>۱۲</sup>، نایب‌رئیس؛ فلج‌لرنام منشی و خزانه‌دار شرکت بود. دیگران نیز کارخانه‌ها داشتند و می‌خواستند حریف زبردست خود را مغلوب نمایند. با منتها درجه حرص و غضب با روکفیلر به مخاصمه شروع کردند؛ از مزاحمت و ایجاد موانع فروگذار نمودند. اما روکفیلر به این کارشکنی‌ها و رقابت‌های خصومت‌آمیز

11) Standard Oil Company

12) William Rockefeller



اعتنا نمی‌کرد و برای تکمیل تصفیه نفت می‌کوشید. وان در بیلت Vanderbilt، بزرگ‌ترین صراف امریکا، در این موضوع، به مغلوبیت خود اعتراف کرده می‌گوید: «رؤسای کمپانی استاندار داویل به مراتب از من قوی‌ترند. بهتر این است من از مجادله با آنها کناره کنم».

نفت شرکت استاندارد در همه جا مطلوب افتاد و در اروپا و آسیا و افریقا، در قصور سلاطین و کلبه‌های مساکین و سایر مؤسسات عمران و اجتماع، به موقع استفاده و استعمال گذاشته شد.

همینکه کار تصفیه به انجام رسید، روکفیلر فکر دیگر کرد: نفت با چلیک‌های مترشح از چاه‌ها به تصفیه‌خانه‌ها نقل می‌شد و این انتقال اشکالاتی داشت. محض تسهیل امر، لوله‌های آهن در روی زمین کشید که نفت از آنها جاری شده به محل معین می‌رسید. برای اینکه سایرین به لوله‌کشی اقدام نکنند، این امتیاز را از هر حیث احتکار و به خود انحصار داد و سرمایه استاندارد اوئل را به ۷۰۰۰۰۰ لیره رسانید.

روکفیلر مشکلی دیگر در مقابل داشت که لازم بود آن را هم از میان بردارد: کارخانه‌ها می‌بایست وضعیتی داشته باشند که بتوانند نفت را، بعد از تصفیه، به آسانی، به مراکز تجارتي حمل کنند. در نتیجه مجاهدات مبذوله، این کار هم صورت گرفت و همه کمپانی‌ها اضطراراً از میدان رقابت خارج شدند. در تمام شهرهای بزرگ، برای فروش نفت، شعبه‌های مخصوص و شرکت‌های محلی تأسیس نمود که همه به شرکت اصلی مرکزی مرتبط بودند. بالاخره، در اقطار اتازونی، زمام نفت را کمپانی استاندارد اوئل به دست آورد و عنوان پادشاه نفت بر روکفیلر مسلم گردید.

روکفیلر به این موفقیت‌ها قناعت نمی‌کرد: راه‌های آهن، سفاین نقاله، کشتی‌های بخاری، کارخانه‌های چوپ و آهن‌سازی، هر چیزی را که به نفت متعلق بود خریده به تأسیسات کمپانی ضمیمه نمود. ساختن چلیک و تهیه ورقه‌های آهن سالی بیش از دو میلیون لیره منفعت داشت! در ۱۹۰۲، سرمایه شرکت استاندارد را بیست و دو میلیون و منافع سالیانه آن را شانزده میلیون لیره حساب می‌کردند! باید دید، در مدت بیست سال اخیر<sup>۱۳</sup> بروسعت تجارت و عظمت سرمایه این کمپانی چقدر افزوده شده و چگونه منابع نفت دنیا و منافع مهمه آن را در اغلب جاها به خود اختصاص داده است.

(۱۳) این مقاله [اشاره به مقاله اصل این ترجمه] در بیست و دو سال قبل نوشته شده است.